



در قسمت اول این مقاله پس از بیان مقدمه‌ای در زمینه تبیین موضوع و آشنایی با اصطلاحاتی چون تفسیر و تأویل، به بررسی روایات تفسیری ذیل آیه ۶۹ سوره نساء پرداخته شد و روایاتی که در مصادر شیعی در این زمینه نقل شده است، بررسی شد. در این قسمت ابتدا روایات تفسیری سنی در ذیل آیه یاد شده، و در ادامه سایر آیات مرتبط با موعود قرآن بررسی خواهد شد.

روایات تفسیری اهل سنت

روایاتی که در منابع روایی اهل سنت در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء آمده، چهار دسته هستند:

دسته یکم، ایمان همه اهل کتاب به عیسی (ع) پس از نزول وی از آسمان: در این دسته از روایات، ضمیر «به» و «قبل موته» هر دو، به حضرت عیسی (ع) برمی‌گردد. طبق این تفسیر، حضرت عیسی (ع) هنوز زنده است و پس از فرود آمدن از آسمان در آخرالزمان، همه اهل کتاب اعم از یهودی و مسیحی به او ایمان می‌آورند. طبری در تفسیرش شانزده روایت از صحابه و تابعین نقل کرده که آیه شریفه مورد بحث را به این صورت تفسیر کرده‌اند. روایت ذیل نمونه‌ای از آنهاست:

از ابن عباس روایت شده که منظور از عبارت

«قبل موته» در آیه شریفه «و این من اهل

الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته»، قبل از مرگ

عیسی بن مریم (ع) است.^۱

دسته دوم، ایمان همه اهل کتاب به عیسی (ع) در لحظه مرگ: در این روایات، ضمیر «به» به حضرت عیسی (ع) و ضمیر «قبل موته» به اهل کتاب برمی‌گردد. بر طبق این تفسیر، همه یهودیان و مسیحیان در هنگام مرگ، با کنار رفتن پرده‌ها، حقایق را درک کرده و به حقانیت حضرت عیسی (ع) پی می‌برند، ولی ایمان در آن لحظه برای آنان هیچ ثمره‌ای ندارد. هجده روایت در تفسیر طبری از صحابه و تابعین نقل شده که آیه مذکور را چنین تفسیر کرده‌اند. یکی از این روایات چنین است:

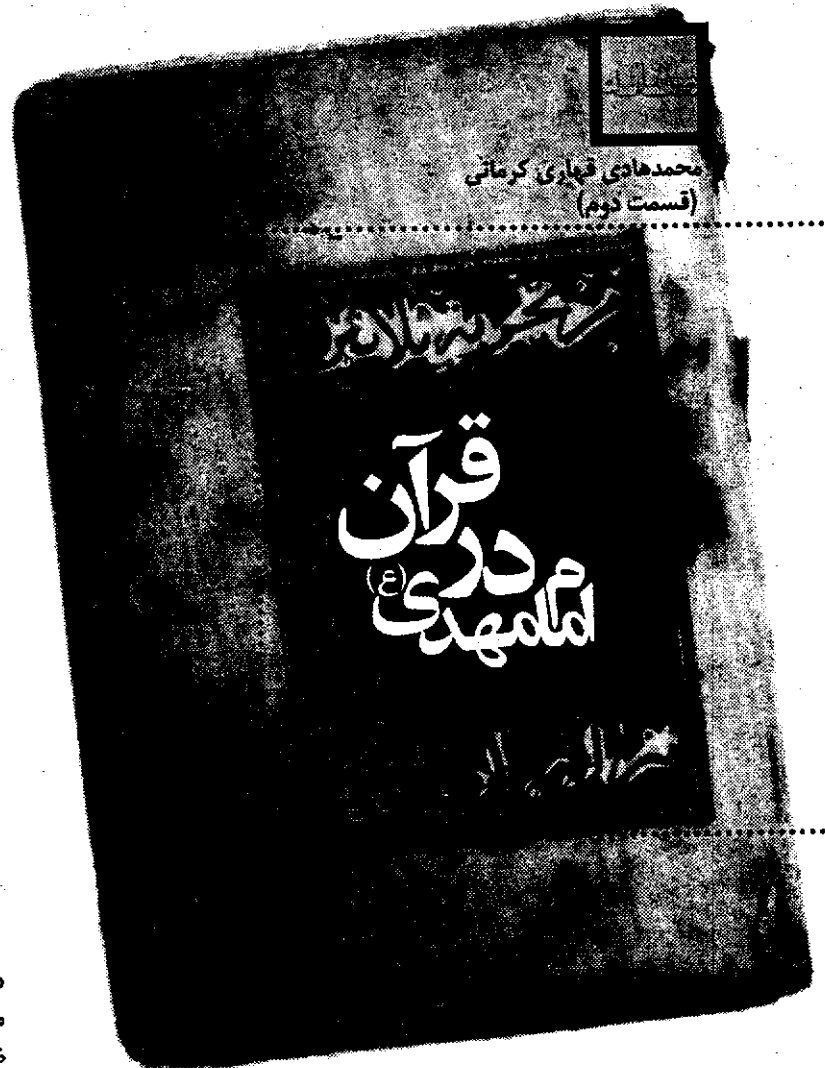
از ابن عباس روایت شده که منظور از آیه

شریفه «و این من اهل الکتاب...» این است

که: هیچ یهودی نمی‌میرد تا اینکه به عیسی (ع)

ایمان بیاورد.^۲

دسته سوم، ایمان همه اهل کتاب به رسول خدا (ص) در لحظه مرگ: در این روایات، ضمیر «به» به رسول



اشاره:

مقاله حاضر به بررسی آیاتی از قرآن کریم پرداخته است که دو فرقه شیعه و سنی در ذیل آنها روایاتی تفسیری درباره امام مهدی (ع) نقل کرده‌اند. این آیات که تعدادشان بالغ بر هشت آیه است به ترتیب از ابتدا تا انتهای قرآن به صورت ذیل بررسی شده‌اند: ابتدا روایات تفسیری فریقین در ذیل هشت آیه که مجموعاً ۴۴ روایت از شیعه و ۶۵ روایت از اهل سنت می‌باشند به صورت دسته‌بندی نقل شده و سپس به بررسی مقارنه‌ای و تطبیقی این روایات از نظر محتوا و سند پرداخته شده است.

لازم به ذکر است که به دلیل اختصار از ذکر متن عربی روایات و سند آنها خودداری شده است.



که زنده باشد و هر که مرده باشد به وی ایمان می آورد. حجاج پرسید: این مطلب را از کجا به دست آورده‌ای؟ گفتم: از محمد بن علی، گفت: آری، از معدنش گرفته‌ای. شهر سپس اضافه می‌کند به خدا سوگند من این جریان را جز از ام سلمه نشنیده بودم ولی برای این که جگر حجاج را بسوزانم به دروغ گفتم: من آن را از محمد بن علی شنیدم.^۲

بررسی تطبیقی روایات فریقین

در مورد روایات تفسیری شیعه که در ذیل آیه مورد بحث، نقل شده است باید بگوییم تنها دسته اول این روایات که مراد از آیه را حضرت عیسی (ع) می‌دانست با سیاق آیات قبل، مطابقت دارد. بنابراین، روایات دسته دوم تا پنجم که منظور از آیه شریفه را ایمان آوردن اهل کتاب به پیامبر اکرم (ص) و امیر مؤمنان (ع) و یا اقرار اولاد فاطمه به امامت امام خویش می‌دانند نمی‌توانند به عنوان تفسیر آیه شریفه به شمار آیند؛ زیرا قبل از این آیه، سخنی غیر از حضرت عیسی (ع) در میان نیست. علامه، طباطبایی نیز معتقد است این روایات، نخواستند آیه شریفه را تفسیر کند بلکه ایمان آوردن به رسول خدا (ص) یا امیر مؤمنان (ع) را نیز مصداقی از ایمان آوردن به عیسی (ع) معرفی کرده‌اند. بنابراین غرض از این روایات، تطبیق [مصداقی بر مصداق دیگر] است و مسئله تطبیق در روایات شأن نزول، فراوان به چشم می‌خورد.^۵

از بین روایات تفسیری فریقین که ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء نقل شده آنچه که در مورد امام مهدی (ع) است روایاتی است که به نازل شدن حضرت مسیح (ع) از آسمان پس از ظهور حضرت مهدی (ع) مربوط می‌شود. بنابراین، تنها دسته اول روایات فریقین یعنی آنهایی که ضمیر «به» و «قبل موته» را به حضرت عیسی (ع) برمی‌گرداند، مربوط به بحث ماست. تعداد این روایات در منابع روایی اهل سنت زیاد است چنان که در تفسیر طبری شانزده روایت از صحابه و تابعین در این باره ذکر شده است. اما، در تفاسیر روایی شیعه تنها یک روایت در این زمینه وجود دارد که همان روایت «شهر بن حوشب» است که نقل شد.

نکته قابل ذکر این است که دسته اول روایات تفسیری اهل سنت همگی «موقوف» می‌باشند و روایت موقوف جزء روایات ضعیف بر شمرده شده است؛ اما ضعف سند این روایات توسط ظهور و سیاق آیات قبل که مفاد این روایات را تأیید می‌کند، جبران می‌شود. همچنین متعدد بودن این روایات چنانکه شانزده روایت در تفسیر طبری نقل شده است نیز تأیید دیگری بر جبران معصوم

مکرم اسلام (ص) و ضمیر «قبل موته» به اهل کتاب برمی‌گردد. طبق این تفسیر، همه یهود و نصارا در لحظه مردن، به حقیقت نبوت رسول اکرم (ص) پی برده و ایمان می‌آورند، ولی این ایمان برای آنها سودی ندارد؛ زیرا در آن لحظه، زمان تکلیف سپری شده است. دو روایت در تفسیر طبری آمده که آیه مورد بحث را چنین تفسیر کرده‌اند.^۳

دسته چهارم، جمع بین روایات دسته یکم و دوم:

سیوطی در الدر المنثور روایتی از شهر بن حوشب نقل کرده که مضمون آن شامل روایات دسته اول و دوم می‌باشد. طبق این روایت، یهودیان و مسیحیانی که بین دو مقطع زمانی به آسمان رفتن حضرت مسیح (ع) و فرود آمدنش از آسمان زندگی می‌کنند در هنگام مرگشان به آن حضرت ایمان می‌آورند که این ایمان برای آنها فایده‌ای در بر ندارد، ولی آنهایی که پس از فرود آمدن عیسی (ع) از آسمان زندگی می‌کنند، در زمان حیاتشان به او ایمان می‌آورند. ترجمه این روایت به شرح ذیل است:

این مندر از شهر بن حوشب روایت کرده که

گفت: حجاج به من گفت: ای شهر آیه‌ای است از کتاب خدا که هیچ بار آن را نخواندم مگر

آن که در دلم اعتراضی وارد شد و آن آیه: «و

ان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته»

است؛ زیرا اسیران جنگی یهودی و مسیحی را

می‌آورند من گردنشان را می‌زنم ولی نمی‌شنوم

که در دم مرگ چیزی بگویند. من به حجاج

گفتم: آیه را آن طور که باید برای تو توجیه

نکرده‌اند. یک فرد نصرانی وقتی روحش از

تنش بیرون آید، ملائکه با سیلی از پشت و از

رویش می‌زنند و می‌گویند: ای خبیث! تو تا

در دنیا بودی می‌پنداشتی که مسیح یا خدا و یا

پسر خدا و یا خدای سوم است، در حالی که

او بنده خدا و روح او و کلمه او بود؛ شخص

مسیحی چون این را می‌شنود ایمان می‌آورد؛

اما در زمانی که ایمان آوردن سودی ندارد. یک

فرد یهودی نیز وقتی روحش از کالبدش بیرون

می‌آید، ملائکه او را از پشت و رو با لگد

وسیلی می‌زنند و به او می‌گویند: ای خبیث!

تو بودی که می‌پنداشتی مسیح را کشته‌ای؟ او

بنده خدا و روح او بود. مرد یهودی به مسیح

ایمان می‌آورد، اما در لحظه‌ای که ایمان سودی

ندارد. این جریان همچنان در مورد فرد فرد

یهود و نصارا جاری است تا زمان نازل شدن

عیسی (ع) برسد؛ در آن زمان از اهل کتاب هر



یعنی امام باقر(ع) بوده و موقوف نمی‌باشد که این مطلب نیز مؤید دیگری بر جبران ضعف سند آنهاست. در مجموع می‌توان دلالت این روایات را پذیرفت و این تفسیر از آیه شریفه را که حضرت عیسی(ع) هنوز زنده است و در آخرالزمان همه اهل کتاب به او ایمان خواهند آورد بر سایر تفاسیر ترجیح داد.

با توجه به این که روایت «شهر بن حوشب» در منابع روایی شیعه و اهل سنت هر دو نقل شده است؛ اینک به بررسی مقارنه‌ای این روایت می‌پردازیم:

۱. این روایت در منابع شیعه از محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب(ع) یعنی امام باقر(ع) نقل شده، در حالی که در مصادر اهل سنت از محمد بن علی بن ابی طالب یعنی محمد حنفیه روایت شده است. علامه طباطبایی(ره) در المیزان در این باره می‌گوید:

ظاهراً در آغاز، عبارت «ابن ابی طالب» در بین نبوده، تنها محمد بن علی بود سپس راویان احادیث در این که محمد بن علی کیست، اختلاف کرده‌اند، بعضی پنداشته‌اند محمد بن علی بن ابی طالب(ع) است و بعضی دیگر با محمد بن علی بن الحسین(ع) تطبیق کرده‌اند.^۲

۱. در سنن ترمذی از رسول خدا(ص) روایت شده است که حضرت فرمود:

بشارت دهید، همانا امت من مانند باران است که مشخص نیست آخرش بهتر است یا اولش؛ یا مانند بوستانی است که جمع زیادی از آن بهره‌مند می‌شوند. چگونه امتی که من در ابتدا، مهدی در وسط و مسیح در انتهای آن قرار دارد هلاک می‌شود؟ لکن در این بین [افرادی] بدخوی وجود دارند که آنان از من نیستند و من از آنان نیستم.^۳



۲. بخاری از رسول خدا روایت کرده که حضرت فرمود: چگونه هستید هنگامی که فرزند مریم در بین شما فرود آید در حالی که امام شما از خود شما باشد؟^۴

۳. از عبدالله بن عمر روایت شده است که: مهدی کسی است که عیسی بن مریم بر او نازل می‌شود و پشت سر او نماز می‌خواند.^۵

۴. رسول خدا(ص) فرمود: کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌خواند از ما است.^۶

۵. رسول خدا(ص) فرمود: مهدی متوجه می‌شود که عیسی(ع) فرود آمده گویی از مویش آب می‌چکد؛ آن‌گاه مهدی به او می‌گردد؛ جلو بایست و با مردم نماز بگزار. عیسی پاسخ می‌دهد: نماز منحصراً توسط تو

۲. از نظر محتوایی آنچه در روایت محمد بن حنفیه آمده، اعم از روایت امام باقر(ع) است. به عبارت دیگر، روایت محمد حنفیه هم یهودیان و مسیحیان دوران قبل از فرود آمدن حضرت عیسی(ع) از آسمان و هم دوران پس از نزول او از آسمان را شامل می‌شود، ولی روایت امام باقر(ع) تنها شامل یهودیان و مسیحیان دوران پس از نزول عیسی(ع) از آسمان است.

۳. در روایت محمد بن حنفیه، جمله «پشت سر امام مهدی(ع) نماز می‌خواند» نیامده و تنها به فرود آمدن حضرت عیسی(ع) از آسمان اکتفا شده است. اما، با توجه به روایات دیگری که در منابع روایی اهل سنت وجود دارد^۷ و در آنها به زمان فرود حضرت مسیح(ع) از آسمان در دوران ظهور حضرت مهدی(ع) تصریح شده است؛ در این روایت نیز قطعاً منظور، نازل شدن حضرت عیسی(ع) در زمان ظهور امام زمان(ع) خواهد بود. بنابراین، عدم اشاره این روایت به نماز گزاردن حضرت عیسی(ع) پشت



باقصر(ع) و امام صادق(ع) روایت شده که در ذیل جمله «یوم یأتی بعض آیات ربك لا ینفع نفساً ایمانها» فرمودند: مقصود از این آیات، طلوع آفتاب از مغرب و خروج جنبنده زمین و دجال است که اگر انسان به گناه اصرار ورزد و عمل ایمانی به جا نیاورد و این آیه‌ها ظاهر شود، ایمانش سودی نخواهد داشت.^{۱۴}

دسته دوم، روز خروج قائم(ع): این روایات آیه مورد بحث را درباره امام مهدی(ع) تأویل کرده‌اند. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه دو روایت در این زمینه آورده که به نقل یکی از آنها بسنده می‌کنیم: امام صادق(ع) درباره آیه «یوم یأتی بعض آیات ربك...» فرمود: منظور روز خروج قائم متظر(ع) است. سپس فرمود: ای ابا بصیر، خوشا به حال شیعیان قائم ما که در دوران غیبتش متظران ظهور او و در هنگام ظهورش مطیع او هستند؛ اینان اولیای خدا هستند که برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد.^{۱۵}

روایات تفسیری اهل سنت

محتوای روایات تفسیری اهل سنت درباره آیه مورد بحث، متضمن این مطلب است که خداوند متعال به وسیله این آیه خبر داده که ایمان آوردن شخص کافر پس از وقوع نشانه‌های قیامت (أشراط الساعة) مورد قبول نیست. البته نشانه‌های قیامت در این روایات به شکل‌های مختلفی نقل شده که در مجموع این نشانه‌ها عبارتند از: طلوع خورشید از مغرب، خروج جنبنده زمین، خروج یاجوج و ماجوج، خروج دجال و نمایان شدن دود. طبری روایات تفسیری ذیل آیه مذکور را به دو دسته تقسیم کرده است:

دسته اول، یکی از نشانه‌های قیامت: این روایات منظور از «بعض آیات» در عبارت «یوم یأتی بعض آیات... خیراً» را فقط طلوع خورشید از مغرب می‌دانند. روایات متعددی در تفسیر طبری از رسول خدا(ص) در این زمینه نقل شده است که به یکی از آنها اشاره می‌کنیم: ابو سعید خدری از رسول خدا(ص) روایت

برپا می‌شود پس عیسی پشت سر مردی از فرزندان من نماز می‌خواند؛ هنگامی که نماز اقامه شد [عیسی] می‌ایستد تا [مهدی] در جایگاه بنشیند و با او بیعت می‌کند پس از آن [عیسی] چهل سال زندگی می‌کند.^{۱۳}

۳. آیه ۱۵۸ سوره انعام

خداوند متعال می‌فرماید:

هل ینظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك أو يأتي بعض آیات ربك لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن امت من قبل أو کسبت فی ایمانها خیراً، قل انتظروا إنا منتظرون.

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند، یا پروردگارت بیاید، یا پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟ [اما] روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد. بگو: «متظر باشید که ما [هم] منتظریم».

روایات تفسیری شیعه

روایات تفسیری شیعه که ذیل آیه مورد بحث وارد شده به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

دسته یکم، نشانه‌های قیامت: این روایات تأویل عبارت «یوم یأتی بعض آیات ربك... خیراً» را مربوط به دوران آخرالزمان دانسته و به ذکر اشراط الساعة (نشانه‌های قیامت) پرداخته‌اند. در بعضی از این روایات فقط به طلوع خورشید از مغرب اشاره شده و در برخی دیگر نشانه‌های دیگری همچون خروج دجال و خروج جنبنده زمین نیز مطرح شده است. به عنوان نمونه در تفسیر عیاشی روایت ذیل نقل شده است: از زراره و حمران و محمد بن مسلم از امام





کرده که حضرت فرمود: منظور از «یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا ایمانها» طلوع خورشید از مغرب است.^{۱۶}

دسته دوم، نشانه‌های قیامت: این دسته از روایات، منظور از عبارت مذکور را علاوه بر طلوع خورشید از مغرب، نشانه‌های دیگری همچون خروج جنبنده زمین، خروج یاجوج و ماجوج، خروج دجال و دود نیز می‌دانند. پنج روایت در این زمینه در تفسیر طبری نقل شده که به عنوان نمونه روایت زیر را نقل می‌کنیم:

ابوهریره از رسول خدا (ص) روایت کرده است که حضرت فرمود: وقتی سه نشانه، نمایان شود کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیرگی در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد. این سه نشانه عبارتند از: طلوع خورشید از مغرب، دجال و جنبنده زمین.^{۱۷}

در الدر المنثور نیز روایات متعددی در ذیل آیه مورد بحث نقل شده است که بسیاری از این روایات، تفسیری نیستند، اما آن روایاتی که تفسیری‌اند همچون روایات نقل شده در تفسیر طبری به دو دسته مذکور، تقسیم می‌شوند.

بررسی تطبیقی روایات فریقین

روایات تفسیری فریقین اجماع دارند که عبارت «یوم یأتی بعض آیات ربک.. خیرا» در آیه مورد بحث، مربوط به علایم آخرالزمان است. این نشانه‌ها که در بعضی روایات، تعداد آنها به ده نشانه می‌رسد عبارتند از: ظهور شمس دود، خروج دجال، نزول عیسی (ع)، خروج یاجوج و ماجوج، خروج جنبنده زمین، طلوع خورشید از مغرب، فرو رفتن زمین در مشرق، فرو رفتن زمین در مغرب، فرو رفتن زمین در جزیره العرب و خروج آتش از عدن (یمن).

یکی از این علایم که در روایات تفسیری فریقین به طور مکرر از آن یاد شده، خروج دجال است. احادیث خروج دجال در صحیحین نیز وارد شده است.^{۱۸} «تووی» در شرح صحیح مسلم تصریح کرده که احادیث وارد در مورد دجال برای اهل حق، حجت است بدین معنا که وجود دجال قطعی و صحیح است و او شخصی است که خداوند متعال بندگانش را به وسیله او امتحان و آزمایش می‌کند؛ تا آنجا که می‌گوید: این عقیده، مذهب اهل سنت و همه محدثان و فقیهان است.^{۱۹} ارتباط احادیث دجال به امام مهدی (ع) از شهادت علمای

اهل سنت به تواتر احادیث مهدی (ع) و ظهور آن بزرگوار در آخرالزمان و خروج حضرت عیسی (ع) به همراه او و یاری کردن او در کشتن دجال، ظاهر می‌شود. از جمله کسانی که به این تواتر تصریح کرده‌اند، ابن حجر عسقلانی است؛ وی در کتاب فتح الباری گفته است:

نماز گزاردن عیسی (ع) پشت سر مردی از این امت در آخرالزمان و نزدیک قیام قیامت، دلالت می‌کند بر اقوال صحیحی که می‌گویند: «زمین از قیام‌کننده‌های الهی که قیامش همراه با حجت و برهان است، خالی نمی‌ماند».^{۲۰}

ابن حجر همچنین در کتاب تهذیب التهذیب، مسئله تواتر اخبار مهدی (ع) از قول دیگران را چنین آورده است: اخبار و روایات مهدی (ع) به دلیل کثرت راویانشان از محمد مصطفی (ص) به حد تواتر و استفاضه رسیده است. در این روایات آمده که مهدی (ع) از اهل بیت پیامبر است و هفت سال در زمین حکومت و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و عیسی (ع) خروج می‌کند و او را در قتل دجال یاری می‌رساند. مهدی (ع) امام این امت است و عیسی (ع) در همه دوران او پشت سر وی قرار دارد.^{۲۱}

آنچه که موجب ارتباط روایات تفسیری فریقین با یکدیگر می‌شود، مسئله دجال است. مسئله دجال از مسائلی است که شیعه و سنی آن را به عنوان یکی از علایم آخرالزمان بر شمرده‌اند و احادیث فراوانی در منابع فریقین وجود دارد که کشته شدن دجال را به دست حضرت عیسی (ع) پس از فرود از آسمان در آخرالزمان نسبت می‌دهند که به بعضی از این روایات در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء اشاره کردیم.

ظهور آیه مورد بحث نیز منافاتی با روایات نقل شده ندارد و آنها را تأیید می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۶ ص ۲۵، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲. همان، ج ۶ ص ۲۶.
۳. همان، ج ۶ ص ۲۹.
۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۳۱، دارالمعرفه، الطبعة الاولى، ۱۳۶۵ ق.
۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۵ ص ۱۳۴، همان.
۶. همان، ج ۵ ص ۱۵۴.
۷. به تعدادی از این روایات در مبحث «روایات نزول عیسی» - که به زودی می‌آید - اشاره شده است.
۸. روایت مستفیض آن است که تعداد روایان آن از سه نفر بیشتر باشد اما به حد تواتر نرسد.
۹. سنن ترمذی، ج ۵ ص ۱۵۲، ب ۶، ج ۲۸۶۹.





۱۰. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۵، کتاب بدء الخلق، باب نزول عیسی بن مریم.
۱۱. ابن حماد، القتن، ۱۰۳، همچنین: ابن ابی شیبہ، ج ۱۵، ص ۱۹۸، ج ۱۹۴۹۵.
۱۲. بیان الشافعی، ص ۵۰۰، ب ۲.
۱۳. همان، ص ۳۹۷، ب ۲.
۱۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۴، همان؛ همچنین نگاه کنید به: نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۸۰، ج ۲۵۴، همان، همچنین احادیث ۳۵۲، ۳۵۳ و ۳۵۸ نیز مشمول دسته اول روایات تفسیری شیعه می شوند.
۱۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه ۳۵۸، ج ۹، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین: روایت دوم را ببینید در همان منبع، ص ۳۳۶، ج ۵۴.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۸، ص ۱۲۷، ج ۱۱۰۵۵، همان احادیث ۱۱۰۵۶ تا ۱۱۰۷۴ نیز مربوط به همین دسته از روایات است.
۱۷. همان، ج ۱۳۵، ص ۱۱۰۷۷، همچنین احادیث ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹ مربوط به دسته دوم می باشد.
۱۸. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۰۱، کتاب القتن، باب ذکر دجال، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق؛ نووی، صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۸، ص ۵۸۷۸، کتاب القتن و اشراط الساعة، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. نووی، صحیح مسلم بشرح نووی، ج ۱۸، ص ۵۸، همان.
۲۰. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۳۵۹، بیروت، دارالفکر، الطبعة الثانية.
۲۱. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۳۵۹، بیروت، دارالفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۰۳ هـ. علاوه بر این سایر علمای اهل سنت نیز عباراتی درباره تواتر احادیث مهدی (عج) دارند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:
- الف - ابن حجر هینمی در کتاب صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۱۱ می گوید: «احادیثی که در آن اشاره به ظهور مهدی بسیار زیاد به حد متواتر است.»
- ب - علامه مناوی در کتاب فیض القدر، ذیل حدیث ۹۲۳۵ می گوید:

«اخیار مهدی زیاد و مشهور است به حدی که جماعتی درباره این احادیث تألیفات مستقلی دارند.»

ج - تقاضائی در کتاب شرح مقاصد، ج ۲، ص ۶۲ می گوید: «از جمله اموری که ملحق به باب امامت می شود خروج مهدی و نزول عیسی است که این دو از علایم قیامت بوده و در این باره خبرهای صحیحی رسیده است.»

د - قرمانی دمشقی در کتاب اخبار الدول و انصار الاول، (ج ۱، ص ۴۶۳) می گوید: «علما بر این امر اتفاق دارند که مهدی همان قیام کننده در آخرالزمان است و اخبار ظهور آن حضرت، یکدیگر را تأیید می کنند و روایات بر اشراق نورش ظاهر دارند.»

ه - مبارکفوری در کتاب تحفة الاحوزی بشرح جامع الترمذی (ذیل حدیث ۲۳۳۱) می گوید: «بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان ها این است که به طور حتم در آخرالزمان شخصی از اهل بیت ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کرده، عدل را در میان جامعه ظاهر می کند و مسلمانان به دنبال او می روند و او بر ممالک اسلامی تسلط پیدا خواهد نمود و او مهدی نامیده می شود.»

به همین مضامین در کلمات بزرگان دیگر از علمای اهل سنت نیز مطالبی می یابیم از جمله:

و - شیخ منصور علی ناصف در کتاب التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۱۰؛ ز - برزنجی در کتاب الانشاع لاشراط الساعة، ص ۸۷.

ح - ابن تیمیه حرانی در کتاب منهاج السنة النبویة، ج ۴، ص ۲۱۱؛ ط - سید احمد زینبی دحلان در کتاب الفتوحات الاسلامیة، ج ۲، ص ۳۲۲؛ ی - ابوالاعلی مودودی در کتاب البیات، ص ۱۱۶؛ ک - ابوطیب قنوجی در کتاب الانشاع، ص ۵۳؛ ل - دکتر عبدالمقیم عبدالمقیم بستوی در کتاب المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة، ص ۳۶۰.

حل مشکلات زندگی در روای صادقانه شیخ حسن تویسرکانی

عالم محقق شیخ حسن تویسرکانی می گوید:

در اوایل جوانی که در نجف اشرف مشغول تحصیل بودم، زندگی بر من سخت می گذشت لذا بنا گذاشتم فقط با قصد دعا برای توسعه معیشت به کرنلا مشرف شوم. اول که وارد شدم، شب را خوابیدم در حالی که هنوز به حرم حضرت سیدالشهدا (ع) مشرف نشده بودم. در خواب به حضور حضرت بقیة الله رسیدم. فرمودند: «فالانی! دعا کن.» عرض کردم: مولاجان! من فقط به قصد دعا کردن مشرف شده ام. فرمودند: «خیلی خوب، اینجا بالای سر است، دعا کن.» من دست به دعا برداشتم و با تضرع و زاری دعا کردم. فرمودند: «تشد.» دوباره بهتر از اول، مشغول به دعا شدم. باز فرمودند: تشد. مرتبه سوم به جد و جهد آن گونه که بلد بودم، در دعا اصرار نمودم. باز فرمودند: تشد.

در نتیجه من عاجز شدم و عرض کردم:

آقا جان! دعا کردن و کالت بردار است یا نه؟ فرمودند: «بله، هست.» عرض کردم:

من شما را وکیل کردم که برای من دعا بفرمایید. حضرت فرمودند: خیلی خوب، و دست به دعا برداشتند و برای من دعا کردند و من در این هنگام از خواب بیدار شدم.

چون نجف اشرف برگشتم شخص تاجری از اهل «تویسرکان» که ساکن تهران بود به زیارت عتبات مشرف شده و به حضور میرزای رشتی رسیده بود. مرحوم رشتی مرا نزد تاجر تویسرکانی بسیار تعریف نموده و بالاخره فرموده بودند: دخترت را به او بده. حاجی تاجر نیز فوراً قبول کرده بود. پس از چند روز من صاحب عیال و ثروت و خانه و زندگی گردیدم.

پی نوشت:

۱. المرقی الحسان، ج ۱، ص ۹۷.